

چارسو

سرکار خانم این ژست‌ها به شما نمی‌آید

نیک‌ی کریمی پول را گرفت و فیلم را بازی نکرد



ایمان عظیمی خبرنگار گروه فرهنگ

انتشار عکس جدید نیک‌ی کریمی در اینستاگرام و همچنین تغییرشمایل پروفایل اودراین شبکه اجتماعی، به ایجاد حواشی جدیددرمورد این بازیگرپرسابقه سینمادامن زده‌است. اماهمه ماجراصرفابه رسانه‌ای شدن مسأله کشف حجاب نیک‌ی کریمی بازنمی‌گردد، چون او در پاسخ به یکی از نظراتی که زیرپست وی هم‌رسانی شده بود نوشت: «من سه سال است (یعنی از ۱۴۰۱ تا امروز) که تصمیم گرفتم بازی نکنم!» این حرف، به‌شکلی تلویحی یا به بیان دقیق‌تر: «محافظه‌کارانه» تمایل گوینده‌اش به جانبداری از جریان «زن، زندگی، آزادی» و تصمیم قطعی او برای خداحافظی از سینمای ایران را بیان می‌کند. این درحالی است که سال گذشته قرار بود، نیک‌ی کریمی با فیلم «زمانی در ابدیت» در چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر حضور داشته باشد، ولی به دلیل اختلاف با سرمایه‌گذار–کارگردان فیلم

وقتی سرسریال آبان هم بی‌کلاه ماند

آن طور که به نظر می‌رسد، «نیک‌ی کریمی» قصد دارد با انتشار عکس‌های جدید در فضای مجازی چهره خود را در میان کاربران اینستاگرامی و همین طور مردم عادی ری‌برند کند تا با قرار گرفتن در حاشیه امن بتواند به حیات هنری و رسانه‌ای‌اش در خارج از کشور ادامه دهد. حال باید این سؤال را از او و کسانی‌که همچون نیک‌ی کریمی فکر می‌کنند پرسید که چرا برای همراه نشان دادن خویش با افرادی‌که خود و اندیشه‌شان را نماینده کلیت ملت ایران خطاب می‌دهند از پیش نقشه‌راه مشخص و معین نمی‌کنند که در چنین بزنگاه‌هایی مشت‌شان باز نشود و پای‌شان در گل فرو نرود؟ موضوع از آن قرار است که در ابتدا

محمدرضا باقری

فعال فرهنگی رسانه‌ای

هنر در انقلاب اسلامی همواره نقش کلیدی ایفا کرده است؛ از شعر و ادبیات گرفته تا سینما و تئاتر. در این میان، موسیقی یکی از پرچالش‌ترین عرصه‌ها بوده است. سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب، نگاه حاکم بیشتر به محدودسازی و احتیاط گرایش داشت، اما به‌مرور روشن شد که موسیقی به‌عنوان رسانه‌ای پرنفوذ، اگر در خدمت ارزش‌ها و گفتمان انقلاب قرار گیرد، می‌تواند نقش‌آفرینی مؤثری داشته باشد. دهه ۶۰ با سرودها و نغمه‌های حماسی شناخته می‌شود. گروه‌های سرود بسیج و سپاه، نغمه‌های محمد گل‌ریز و نوای حماسی حاج صادق آهنگران، همگی حافظه شنیداری یک نسل را ساختند. این آثار اگرچه در ساختار ساده بودند، اما در جان مخاطب آتش می‌افروختند و در صحنه‌های جنگ و انقلاب الهام‌بخش بودند. با گذر زمان و تغییر ذائقه نسل جوان، موسیقی متعهد نیازمند بازتعریف شد. پاپ و راک در جهان فارسی‌زبان گسترش یافتند و موسیقی‌های تجاری و عاشقانه بخش بزرگی از بازار را گرفتند. همین‌جا بود که اهمیت هنرمندانی که بتوانند زبان نسل جدید را با مضامین انقلاب و مقاومت پیوند بزنند، بیش از پیش احساس شد.

حامد زمانی؛ صدای متفاوت دهه ۹۰

در چنین فضایی بود که حامد زمانی در دهه ۹۰ به چهره‌ای شاخص بدل شد. او با انتخاب مسیر موسیقی پاپ، اما با مضامین انقلابی و هویتی، توانست در میان طیف وسیعی از جوانان مخاطب بیابد. قطعاتی مانند «مرگ بر آمریکا»، «آخرین قدم»، «قدس»، «ما ایستاده‌ایم» و آثار دیگر، نمونه‌هایی هستند که نشان می‌دهند موسیقی متعهد می‌تواند هم جذابیت شنیداری داشته باشد و هم محتوای سیاسی و اجتماعی. زمانی درواقع پلی زد میان سنت موسیقی انقلابی دهه‌های ۶۰ و ۷۰

۵۰ درصد بودجه تولید فیلم خرج بازیگران می‌شود

سعید خانی، تهیه‌کننده سینما در گفت‌وگو با ایسنا درباره عواملی که روی افزایش هزینه‌های فیلمسازی تأثیر می‌گذارند گفت: «به جز این‌ها، افزایش نرخ تورم باعث می‌شود برآوردهای تولید فیلم متغیر باشد و همان‌طور که قیمت طلا و دلار لحظه‌ای بالا می‌رود برآوردهای ما هم لحظه‌ای شده‌اند؛ چرا که به هر حال بخشی از هزینه‌های تولید به خرید یا اجاره تجهیزات می‌برمی‌گردد که افزایش قیمت ارز در آن تأثیر زیادی دارد.» وی درباره هزینه‌های ساخت تولید فیلم گفت: «الان برای یک فیلم با بودجه کم با دوبرازگر متوسط حدود ۳۰ میلیارد تومان باید خرج کرد، درصورتی‌که فیلم «رها» با رقمی کمتر از این قیمت، تولید شده‌بود. ما زمانی برآوردها به این شکل بود که ۷۰ درصد هزینه‌ها متعلق به عوامل بود و ۳۰ درصد برای بازیگران ولی با تغییر شرایط، جای دستمزد بازیگرها با عوامل تغییر کرده و الان بیش از ۵۰ درصد بودجه تولید یک فیلم برای بازیگران خرج می‌شود. تمام این‌ها در حالی است که ما باید به بازگشت سرمایه هم فکر کنیم؛ ولی چگونه؟! این تهیه‌کننده همچنین در پاسخ به اینکه فروش فیلم‌ها در اکران با چه رقمی شکست‌خورده محسوب می‌شوند؟ گفت: «به نظرم اگر فیلمی کمتر از ۶۰ میلیارد تومان بلیت بفروشد، در گیشه شکست‌خورده مطلق است. اگر فیلم بین ۶۰ تا ۱۰۰ میلیارد تومان بفروشد می‌تواند حداقل به پول خود برسد و اگر بالای ۱۰۰ میلیارد تومان بفروشد آن وقت می‌توان به سود فکر کرد و الان شرایط اکران بر همین اساس قابل تحلیل است.»

مجبوربه کناره‌گیری ازفستیوال شد. موضوع ازاین قرار بود که «مهدی نوروزیان» (کارگردان و سرمایه‌گذار زمانی در ابدیت) با شکایت از نیک‌ی کریمی، مشکل مالکیت فیلم را با ارسال نامه‌ای به مسئولان جشنواره فحراطلاع داد تا اثر مربوطه فرصت اکران و حضور در بزرگ‌ترین جشن سالانه سینمای ایران را از دست بدهد. پرونده اختلاف میان نیک‌ی کریمی و مهدی نوروزیان اکنون نه فقط در خانه سینما در حال رسیدگی است، بلکه هیئت داوری جامعه صنفی تهیه‌کنندگان و محاکم قضایی نیز به آن ورود پیدا کرده‌اند و دوسویه مربوط به ماجرای مالکیت این اثر همچنان مفتوح باقی مانده است! موارد احصاء شده در شکایت آقای نوروزیان از خانم کریمی به ۱۰ مورد هم می‌رسد؛ در یکی از این موارد مشخص شده که بازیگر به انگلیس کوچ کرده ما با محکومیت ســنگین میلیاردی مواجه شده‌است. باری، ادعای نیک‌ی کریمی درخصوص دوری سه‌ساله‌اش از بازیگری در تولیدات سینمایی و پلتفرمی هم با واقعیت صحنه و اتفاقاتی که در پس پرده رقم خورده است نمی‌خواند.

قرار بود نیک‌ی کریمی در اولین سریال پلنفرم تازه تأسیس و پُر حاشیه شیدا، یعنی «آبان» به‌جای «مینا ساداتی» بازی کند ولی در میانه راه و با وجود ضبط سکانس‌ها و پلان‌های بازی‌اش در جلوی دوربین این مجموعه و گرفتن بخشی از پول خود؛ به علت بروز اختلاف بسا «مجید مولایی» و «رضا دادویی»، تهیه‌کننده و کارگردان اثر از حضور در آبان انصراف داده و کار را رها کرده تا گردانندگان مجموعه مجبور شوند پلان‌های او را از نو با با مینا ساداتی ضبط کنند! پر ونده اختلاف نیک‌ی کریمی و مجید مولایی نیز همچون فیلم زمانی در ابدیت در خانه سینما باز و در حال بررسی است.

بازگشت یک صدا؛ حامد زمانی دوباره می‌خواند

با ذائقه امروز. او برخلاف بسیاری از خوانندگان پاپ، موسیقی را ابزار سرگرمی صرف نمی‌دانست، بلکه رسانه‌ای برای پیام و هویت می‌شناخت. این نگاه، او را از دیگر هم‌نسلانش متمایز کرد و هم‌زمان موافقان پرشور و مخالفان جدی برایش ساخت. با این همه، فشارها، انتقاده‌ها و حاشیه‌های سیاسی و فرهنگی درنهایت او را برای چندین سال به سکوت کشاند. حامد زمانی در اوج محبوبیت ناگهان از صحنه غایب شد و همین غیبت، جای خالی صدای متفاوت او را در فضای موسیقی آشکارتر کرد.

ضرورت موسیقی در گفتمان انقلاب اسلامی

گفتمان انقلاب اسلامی برای بقا و تأثیرگذاری اجتماعی خود، نیازمند زبان‌های متنوع و رسانه‌های پرنفوذ است. اگر شعر و رمان و سینما توانسته‌اند بخشی از روایت انقلاب را منتقل کنند، موسیقی نیز به دلیل ظرفیت جمعی و احساس‌اش، نقشی بی‌بدیل دارد. موسیقی می‌تواند قلب‌ها را به تپش درآورد، مفاهیم را در ذهن‌ها حک کند، و در لحظه‌ای کوتاه، پیامی سیاسی یا معنوی را در جان مخاطب بنشاند. از این رو، غیبت موسیقی متعهد در بازار رسمی در حقیقت خلأیی در بدنه گفتمان انقلاب است. بازگشت حامد زمانی، نه تنها بازگشت یک خواننده، بلکه بازگشت یک رویکرد است. اینکه موسیقی می‌تواند و باید حامل هویت و مسئولیت اجتماعی باشد.

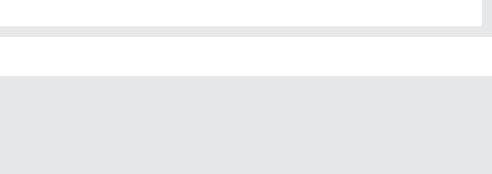
«می‌کشونی»؛

زمزمۀ عاشقانه برای امام رضا(ع)

قطعه «می‌کشونی» نخستین اثر از بازگشت زمانی است. این قطعه بر بستر سنت دیرینه عشق ایرانیان به امام رضا(ع) شکل گرفته است. زیارت حرم رضوی در فرهنگ مردم ایران نه فقط یک مناسک دینی،

صداقت؛ داستان یک کلمه گنگ

نیک‌ی کریمی اکنون در انگلیس به‌سر می‌برد و هنوز برای قطع رابطه همیشگی‌اش با جریان رسمی و اصلی سینمای ایران با رسانه‌های فارسی‌زبان آن طرف آبی مصاحبه نکرده است؛ اتفاقی که با توجه به نمونه‌های پیشین به‌نظر نمی‌رسد چندان دوامی داشته باشد و هر لحظه باید منتظر تزکیده شدن بنبی خبری از طرف یکی از شبکه‌های غربی در این خصوص باشیم؛ البته تا همین حد، یعنی انتشار محتوای بصری متفاوت توسط کریمی در اینستاگرام و پاسخی که او به یکی از دنبال‌کنندگانش مبنی بر کناره‌گیری خودخواسته از فعالیت‌های سینمایی و تلویزیونی –لااقل در جغرافیای ایران– داده تکلیف را تا حدود زیادی مشخص کرده است. بازیگر فیلم سینمایی «سلطان» می‌گوید سه سال است –یعنی درست از هیاخوی ۱۴۰۱ به اینطرف– که در هیچ پروژه‌ای حضور نیافته و دوربین هیچ فیلمسازی چهره‌ای از وی ثبت نکرده است، اما با توجه به مستنداتی که در این میان وجود دارد می‌توان با ضرس قاطع عنوان کرد که نیک‌ی کریمی حد فاصل سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۴ دست کم در یک پروژه به‌عنوان بازیگر حضور داشته‌ و در یک کار سینمایی هم نقش تهیه‌کننده را برعهده داشته که با توجه به مسائل مالی و حقوقی پیش‌آمده عطای زندگی و کار در کشور را به لقایش بخشیده و عدم حضور غیرارادی و تاحدودی اجباری‌اش در سینما و محصولات پلتفرمی را به حساب جریان «زن، زندگی، آزادی» فاکتور کرده است. اگر عزم نیک‌ی کریمی برای



بلکه تجربه‌ای عاطفی و جمعی است. حامد زمانی در «می‌کشونی» از همین بستر بهره برده و با زبانی ساده و صمیمی، حال و هوای زائر دلداه را بازگو کرده است. ملودئ اثر گرم و پرکشش است، با ضرباهنگی آرام که شنونده را در فضای زیارت قرار می‌دهد. «می‌کشونی» یادآور این حقیقت است که موسیقی دینی می‌تواند هم مردمی باشد، هم شاعرانه و هم جذب‌آپ شنیداری داشته باشد؛ بدون نیاز به پیچیدگی‌های تصنعی.

«صمود»؛ صدای مقاومت در غزه

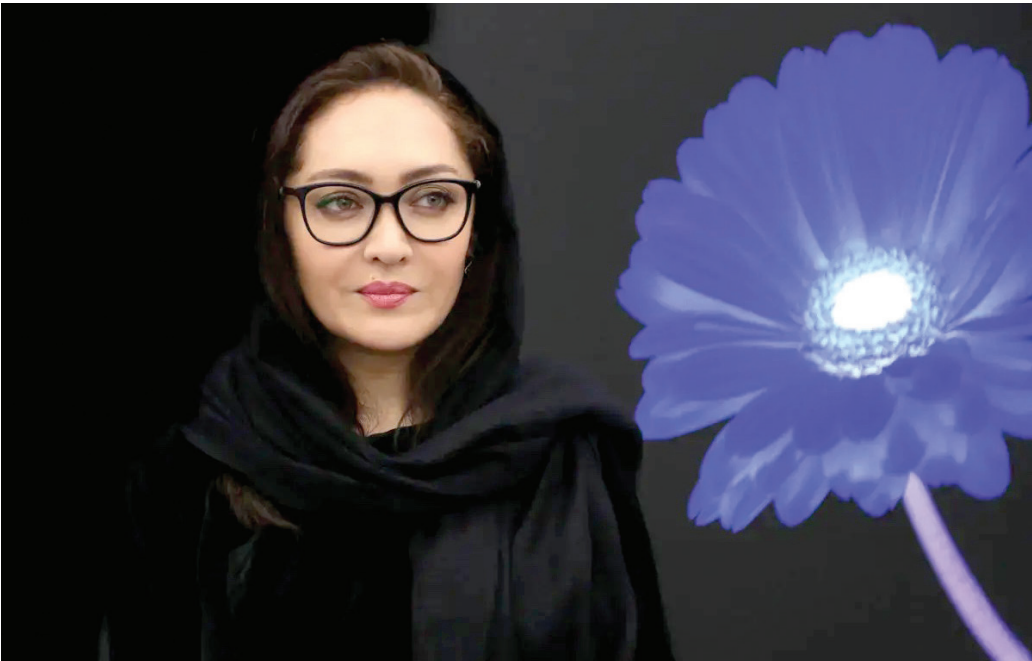
قطعه دوم، «صمود» (به معنای پایداری)، بر محور همبستگی با مردم فلسطین ساخته شده است. موضوع اثر، کاروان‌های خودجوش مردمی است که در دل محاصره، آب و غذا به مردم غزه می‌رسانند. این تصویر، نه تنها نماد مقاومت و ایستادگی است، بلکه بازتابی از اخلاق انسانی و فطرت عدالت‌خواهانه بشری است. موسیقی این قطعه پرانرژی و پرشتاب است، با ضرباهنگی که حال و هوای حرکت و پایداری را القا می‌کند. در روزگاری که تصاویر غزه دل‌ها را می‌لرزاند، «صمود» نشان می‌دهد هنر چگونه می‌تواند فریاد مظلومیت و دعوت به مسئولیت باشد. این قطعه امتداد همان نگاه جهانی انقلاب اسلامی است: پیوند ایران با فلسطین و پیوند هنر با مقاومت.

بازگشت پس از ۸ سال سکوت

بازگشت حامد زمانی پس از ۸ سال، معنایی فراتر از یک اتفاق هنری دارد. او در شرایطی بازگشته که بازار موسیقی ایران بیش از هر زمان دیگری تحت سیطره آثار مصرفی و عاشقانه‌های تکراری است. در چنین فضایی، صدای متفاوت او می‌تواند یادآور این باشد که موسیقی می‌تواند بیش از سرگرمی صرف باشد. این بازگشت همچنین می‌تواند پیام‌آور شروع دوباره یک جریان باشد؛ جریانی که هم به پشتوانه نهادی

باید جلوی ترامپ بایستیم

راب راینر، کارگردان نامزد جایزه اسکار خواستار اقدام علیه دونالد ترامپ شد. او گفت وظیفه ما در حال حاضر این است که به‌عنوان صداهای تأثیرگذار، با ورود گارد ملی به شهرهای بزرگ توسط ترامپ و همچنین با حملات او به آزادی بیان مبارزه کنیم. او افزود: «تلاش‌های ترامپ برای «در دست‌گرفتن انتخابات» از طریق تقسیم‌بندی مجدد حوزه‌های انتخابیه باید قبل از انتخابات میان‌دوره‌ای ۲۰۲۶ متوقف شود. این دیگر حتی فراتر رفتن از سبک دوران مک‌کارتی است و این افکار در مقایسه با آنچه اکنون در آمریکا می‌گذرد، عجیب به نظر می‌رسد. جامعه هالیوود کاملاً آگاه است که حقوق متمم اول قانون اساسی دارد نقض می‌شود و ما به‌خوبی از آنچه دارد اتفاق می‌افتد، آگاه هستیم، اما اکنون وظیفه ما به‌عنوان عناصر ارتباطی، برقراری ارتباط با بقیه مردم کشور است تا آن‌ها را از آنچه قرار است برایشان اتفاق بیفتد، مطلع کنیم.» این کارگردان به ماجرای تعلیق اخیر جیمی کیمبل از شبکه‌ای بی‌سی اشاره کرد و برای مورد دوم هم اعزام اخیر ۳۰۰ سرباز گارد ملی کالیفرنیا به اورگان توسط ترامپ را مثال زد. دولت ترامپ پیش‌ازاین گارد ملی را به لس‌آنجلس و واشنگتن دی‌سی اعزام کرده است. راینر همچنین هشدار داد: «آن‌ها به کنترل نظامی خیابان‌ها نیاز دارند و این چیز دیگری است که ما می‌بینیم؛ بنابراین، ما الان در این وضعیت و به‌سرعت در حال سقوط به سراسیمبی هستیم و باید راهی برای متوقف کردن آن پیدا کنیم.»



عدم حضور در این اتمسفر جدی بود باید مانند همکاری‌اش عمل می‌کرد و در ببحوجه اتفاقات ۱۴۰۱ با اعلام رسمی برای همیشه از بازار تولیدات رسمی داخلی کناره می‌گرفت، اما گریا مسائل پیش‌آمده در پروسه فیلمبرداری آبان و زمانی در ابدیت باعث شده تا او با فراری رو به جلو بخواهد در مقام یک «پروتاگونیست» به مخاطبانش معرفی شود. کلیت سینمای ایران باید در کنار تهدید آثار زیرزمینی، مواظب فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده چهره‌های جدید و قدیمی شناخته‌شده خود نیز باشد، زیرا آن‌ها بدون پرداخت هزینه جدی و با طیب خاطر در زمین طرف مقابل بازی می‌کنند تا بدون راستی آزمایی، قهرمان قصه‌های خیالی لقب بگیرند. پیش از نیک‌ی کریمی، حمید فرخ‌نژاد، اشکان خطیبی، برزو ارجمند، احسان کرمی، مهناز افشار و... هم با قدم گذاشتن در این مسیر سعی کردند چهره جدید، اینستاگرام‌پسند و تابع نظر دنبال‌کنندگان مجازی از خویش ساخته و به افکار عمومی ارائه دهند که با واقعیت آن‌ها در تضاد قرار داشت. نه‌فرخ‌نژاد انطورد که در جلوی دوربین اینترنشنال نشان می‌داد غمخوار مردمش بود و نه کرمی و ارجمند تا پیش از اتفاقات شهریور ۱۴۰۱ تصمیمی مبنی بر عدم بازگشت به ایران گرفته بودند. در فقره نیک‌ی کریمی هم اینطور در نظر جلوه می‌کند که او می‌خواهد مسائل مالی‌اش را در داخل را در نذر روغن ریخته برای اهالی «صنعت مخالف» و پلواکنندگان جریان به‌اصطلاح اعتراضی زن، زندگی، آزادی تسویه کند.

(حوزه هنری) نیاز دارد و هم به خلاقیت فردی هنرمندان. اگر این مسیر ادامه یابد، می‌توان امیدوار بود که موسیقی متعهد بار دیگر در جامعه ایرانی جایگاه جدی بیابد.

جایگاه تاریخی و بین‌المللی

برای درک اهمیت این بازگشت، باید آن را در امتداد تاریخی موسیقی انقلاب دید. همان‌گونه که سرودهای دهه شصت روحیه رزمندگان را زنده نگه می‌داشت یا نغمه‌های حماسی آهنگران در جبهه‌ها می‌پیچید، امروز نیز نسل جدید نیازمند صدایی است که با زبان خودشان، اما با همان پیام سخن بگوید. از سوی دیگر، اهمیت «صمود» نشان می‌دهد موسیقی متعهد نمی‌تواند در مرزهای ملی محلود بماند. صدای مقاومت باید جهانی باشد، همان‌طور که فریاد فلسطین امروز در سراسر دنیا شنیده می‌شود. هنر ایرانی، اگر بخواهد در متن گفتمان انقلاب باقی بماند، باید به مسائل امت اسلامی و عدالت جهانی پاسخ دهد.

بازگشت صدا، بازگشت رویکرد

انتشار «می‌کشونی» و «صمود» تنها خبر بازگشت یک خواننده پس از ۸ سال نیست؛ نشانه‌ای است از بازگشت یک رویکرد هنری و فرهنگی. رویکردی که موسیقی را نه برای سرگرمی صرف، بلکه برای معنا، هویت و مسئولیت اجتماعی می‌خواهد. صدای حامد زمانی در این دو قطعه، بار دیگر یادآور این حقیقت است که موسیقی متعهد هنوز زنده است و هنوز می‌تواند دل‌ها را بلرزاند و ذهن‌ها را بیدار کند. اگر این مسیر با حمایت نهادی و استمرار خلاقیت فردی ادامه یابد، می‌توان امید داشت که موسیقی متعهد بار دیگر به یکی از ستون‌های مهم گفتمان انقلاب اسلامی بدل شود؛ گفتمانی که نیازمند صداهای تازه برای روایت مقاومت و هویت در دنیای پرهیاهوی امروز است.

